

توسعه انسانی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بهمئی*

منوچهر جوانمردی

دانش آموخته دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

M.Javanmardi48@yahoo.com

دکتر مسعود مهدوی

استاد گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده:

توسعه انسانی مفهوم جدیدی است که سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ آن را جایگزین در آمد سرانه و تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار توسعه یافتگی نمود، و گویای آن است که درآمد همه زندگی انسان نیست و پیشرفت را نمی توان تنها با درآمد سرانه اندازه گیری کرد، بلکه هدف اصلی بهره مند ساختن راستین انسان و بهبود بخشیدن به کیفیت بهتر زندگی اوست.

بر اساس این ایده انسان محور توسعه بوده و تمرکز اصلی روی ابعاد انسانی توسعه است. توجه به این مسئله موجب شد که سازمان ملل متحد شیوه جدیدی را برای اندازه گیری توسعه تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی» ارائه کند که بازگو کننده متوسط **Index Human Development** دستیابی در سه بعد اساسی توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، و اقتصاد) است.

این مقاله به منظور شناخت و سنجش شاخص های توسعه انسانی و ارتقاء آنها در نواحی روستایی کشور و با مطالعه موردی روستاهای شهرستان بهمئی انجام شده است.

واژه های کلیدی: توسعه انسانی، توسعه روستایی، شاخص های توسعه انسانی، توسعه انسانی بر حسب جنسیت، شاخص فقر انسانی

مقدمه

توسعه انسانی مفهوم جدیدی است که از پیدایش و رشد آن بیش از سه دهه نمی گذرد. تا پیش از این سال ها، مفهوم توسعه تداعی کننده توسعه اقتصادی بود، و مصرف کالاها و خدمات به عنوان اساسی ترین عنصر رفاه اقتصادی به شمار آمده و برای سنجش میزان رفاه و توسعه، شاخص درآمد ملی مورد توجه قرار می گرفت.

* این مقاله از رساله دکتری استخراج شده است که به راهنمایی دکتر مسعود مهدوی تهیه شده است.

این رویکرد اقتصادی با محقق شدن اهداف رشد اقتصادی و عدم تغییر شرایط زندگی توده مردم با مخالفت هایی مواجه شد و به تدریج همگان به این باور رسیدند که باید عوامل دیگری را مانند "کیفیت زندگی انسان" و "رشد همراه با عدالت" برای اندازه گیری وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها مورد سنجش قرار داد. پس از آن مفهوم توسعه انسانی جایگاه ویژه خود را در تعاریف توسعه پیدا کرد و همگان پی بردند که درآمد همه زندگی انسانی نیست و پیشرفت انسانی را نمی توان تنها با توسعه درآمد سرانه اندازه گیری کرد. مفهوم توسعه انسانی در واقع تأکیدی است بر زندگی بهتر و از سوی دیگر می توان گفت هدف نهایی توسعه نیز در واقع بهبود کیفیت زندگی انسان ها است.

پیشرفت روزافزون کشورها در کنار مسائل پیچیده ای از قبیل بیکاری های روزافزون، رشد بی رویه جمعیت، شکاف بین کشورهای فقیر و غنی، محدودیت کاهش و تخریب منابع طبیعی و محیط زیست، صاحب نظران توسعه را بر آن داشت که به منظور رسیدن به یک توسعه متوازن و پایدار می بایست به انسان و توسعه انسانی توجه بیشتری داشته باشند.

اهداف تحقیق حاضر تلاش در جهت بررسی و شناخت توسعه همه جانبه نواحی روستایی به خصوص روستاهای شهرستان بهمئی، شناخت وضع موجود، بررسی امکانات و قابلیت ها، مشخص کردن مشکلات و تنگناها و ارائه چشم انداز توسعه آینده آنها می باشد.

دلایلی که مطالعه روستاهای این شهرستان را توجیه می نماید عبارت است از: پائین بودن شاخص توسعه انسانی روستاهای شهرستان نسبت به میانگین کشور، محرومیت، فقر، مهاجرت روستایی، رشد سریع شهرنشینی، عدم وجود منابع علمی و تخصصی کافی در خصوص این شهرستان، نو بودن مفهوم توسعه انسانی و اهمیت روزافزون آن و به خصوص تأکید سازمان ملل در جایگزین شدن توسعه انسانی به جای توسعه کمی اقتصادی.

روش و مراحل تحقیق

- ۱- بررسی و شناخت مبانی نظری و تئوری در زمینه توسعه انسانی
- ۲- جمع آوری منابع و مدارک موجود به منظور شناخت منطقه مورد مطالعه
- ۳- پیمایش و عملیات میدانی به منظور به روز کردن اطلاعات و یا تکمیل کمبود ها و از بین بردن کاستی های اطلاعاتی موجود

۴- تحلیل یافته ها بر اساس مبانی نظری و با استفاده از اطلاعات جمع آوری شده

۵- آزمون فرضیه ها با توجه به تعمیم تحلیل یافته ها از مورد مطالعه

۶- تدوین و ترسیم نقشه ها، نمودارها و جداول

در این مقاله با مطالعه ادبیات نظری مفهوم توسعه انسانی و بررسی سابقه و تاریخچه توسعه انسانی سعی شده است با استفاده از شاخص های ترکیبی توسعه انسانی و داده های آماری شهرستان مورد مطالعه، میزان توسعه انسانی نواحی روستایی محاسبه گردد.

همچنین با بررسی امکانات طبیعی و انسانی روستاهای محدوده مورد مطالعه به منظور فراهم آوردن زمینه مناسب برای برنامه ریزی های مختلف و استفاده از امکانات محیطی برای فراهم آوردن زمینه توسعه روستاها، همواره به عنوان یک اصل مهم مورد نظر بوده است.

در تحلیل و تفسیر اطلاعات گردآوری شده سعی شده است از روش های آماری نیز تا حد امکان استفاده شود و میزان و سطح توسعه یافتگی را با استفاده از روش شاخص ترکیب توسعه انسانی سنجیده شده است.

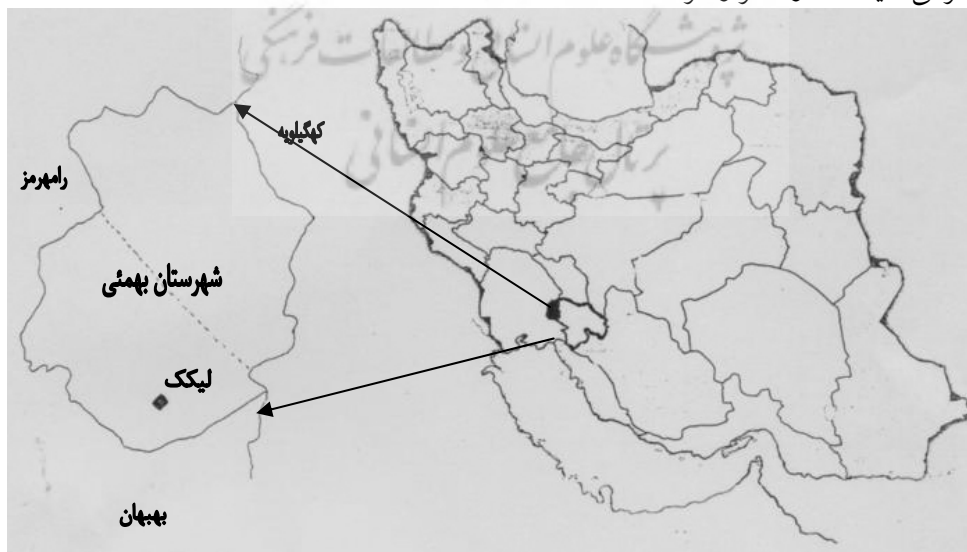
منابع تحقیق

آمار و ارقام تهیه شده توسط سازمان های رسمی از جمله مرکز آمار ایران، گزارش های سالانه توسعه انسانی سازمان ملل، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، جهاد کشاورزی، فرمانداری، مرکز بهداشت، آموزش و پرورش شهرستان بهمنی و سایر ادارات و سازمان های زیربط در امور روستایی منطقه در شکل گیری مبنای مطالعه مؤثر بوده اند.

قلمرو جغرافیایی و دامنه تحقیق

شهرستان بهمنی در غرب و قسمتی از شمال غرب استان کهگیلویه و بویر احمد در شرق استان خوزستان و در دامنه های جنوبی پیشکوههای زاگرس در منطقه ای نیمه کوهستانی و کوهپایه ای واقع شده است. لیکک مرکز شهرستان ۶۴۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و آب و هوای آن متأثر از عرض جغرافیایی کم (۳۱ درجه شمالی) و تغییرات ارتفاع در مناطق مختلف آن و در مجاورت با خلیج فارس و خوزستان گرم و نیمه خشک می باشد که متوسط بارش سالانه مرکز شهرستان حدود ۴۰۰ میلی لیتر می باشد.

این شهرستان از دو بخش، چهار دهستان و ۱۷۳ روستا تشکیل شده که در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۳۸ هزار نفر جمعیت داشته، که همواره همانند دیگر مناطق و روستاهای محروم کشور مورد بی توجهی و بی مهری مطالعاتی و برنامه ریزی عمرانی سیاستگذاران قرار گرفته است.



مقیاس ۱:۱۶۰۰۰۰۰

مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰۰۰

شکل شماره ۱: نقشه موقعیت شهرستان بهمنی

مفهوم توسعه انسانی

تا ابتدای نیمه دوم قرن بیستم توسعه ی انسانی تنها در بعد اقتصادی آن بیان و درک می شد و توسعه فقط به معنای توسعه ی اقتصادی بود که به صورت رشد اقتصادی و تغییر و تحولات اقتصاد ارائه می شد. سرمایه گذاری یا تشکیل سرمایه به عنوان تنها وسیله ی میل به توسعه تلقی می شد و مقیاس اندازه گیری کمی توسعه تنها رشد اقتصادی بود. هر چند که بهبود کیفیت زندگی انسان ها امری مهم تلقی می گردید، ولی ارتقاء کیفیت زندگی انسان به عنوان پی آمدی از توسعه ی اقتصادی تعبیر می شد. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، ۱۳۷۹، ص ۲)

مفهوم توسعه ی انسانی بسیار وسیع و گسترده است. این مفهوم توجه خود را به سه انتخاب و فرصت اساسی معطوف می کند:

۱. داشتن فرصت یک زندگی طولانی و سالم، ۲. کسب تحصیل، ۳. دسترسی به امکانات و ابزار لازم برای رسیدن به دو انتخاب اول یعنی استاندارد یک زندگی قابل قبول. اگر این سه انتخاب قابل دسترسی نباشند بسیاری از فرصت های دیگر غیر قابل دسترسی باقی می ماند.

مفهوم توسعه ی انسانی خود گویای آن است که هدف اصلی توسعه بهره مند ساختنِ راستین انسان است، یعنی بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد انسانی. افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری هستند اما این دو وسیله ی توسعه اند و نه هدف آن؛ هدف توسعه، پرورش قابلیت های انسان و گسترش امکان های اوست. درآمد تنها یکی از این امکان ها و البته امکانی ضروری است؛ اما زندگی حقیقی انسان در کل چیز دیگری است. برخورداری انسان از زندگی طولانی و سالم و خلاق در محیط زیستی غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک هدف نهایی توسعه است. (خواجه پور، ۱۳۷۷ ص ۲۳)

توسعه انسانی مفهومی جدیدی است که از پیدایش و رشد آن بیش از سه دهه نمی گذرد. پیش از پیدایش این نوع از توسعه، رویکرد رفاه اقتصادی در توسعه حاکم بود که مصرف کالا و خدمات به عنوان اساس رفاه اقتصادی در نظر گرفته می شد و برای سنجش میزان رفاه و توسعه، درآمد ملی به عنوان معیار اساسی مورد توجه قرار می گرفت و در این رویکرد از مسئله فقر و توزیع درآمد چشم پوشی می شد.

مخالفت با این تلقی از توسعه، در اواسط دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید چرا که بسیاری از کشورها اگر چه اهداف رشد اقتصادی خود را تحقق بخشیدند، اما شرایط زندگی توده مردم تغییر نکرد. به این ترتیب بود که بعضی از وظایف جدید توسعه مانند "رشد همراه با عدالت" و "توزیع مجدد رشد" مورد توجه اقتصاددانان توسعه قرار گرفت و مفاهیم انسانی و اجتماعی جایگاه ویژه خود را در تعاریف توسعه پیدا کردند.

سازمان ملل متحد بر اساس تلاش ها و تحقیقاتی که انجام داد در سال ۱۹۹۰ مفهوم توسعه ی انسانی را به شکلی مطرح کرد که با بسیاری از سؤالاتی که درباره مسائلی مثل فقرزدایی و بهبود موجودیت انسان مطرح می شود، ارتباط پیدا کند. این مفهوم تعریف خاصی از توسعه ی انسانی را ارائه می دهد و برای اولین بار توسعه ی انسانی را با کلماتی مثل انتخاب و فرصت بیان می کند.

اولین گزارش توسعه ی انسانی سازمان ملل که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد توسعه ی انسانی را به صورت زیر تعریف می کند: «توسعه ی انسانی فرآیندی برای گسترش انتخاب های مردم است.» (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰، ص ۷)

شاخص توسعه ی انسانی (HDI):

شاخص توسعه ی انسانی (HDI) ^۱ یکی از مهم ترین شاخص های ترکیبی جهت سنجش میزان توسعه ی تحقق یافته در یک کشور است. این شاخص در پی اندازه گیری سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی بهتر و برخورداری از عمری طولانی تر توأم با سلامتی بیش تر است. برای اندازه گیری ظرفیت اول از نرخ با سواد بزرگسالان و برای اندازه گیری ظرفیت دوم از قدرت خرید واقعی افراد بر اساس دلار آمریکا و برای اندازه گیری ظرفیت سوم از امید به زندگی در بدو تولد استفاده می شود. شاخص توسعه ی انسانی میانگین وزنی ساده از سه شاخص مذکور است. دامنه این شاخص بین عدد یک (حداکثر) و صفر (حداقل) تغییر می کند. رتبه بندی کشورها براساس این شاخص به صورت زیر انجام می شود: (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳، ص ۳۷۵)

مرحله توسعه ی انسانی پائین	$0 < \text{HDI} < 0.499$
مرحله توسعه ی انسانی متوسط	$0.5 < \text{HDI} < 0.799$
مرحله توسعه ی انسانی بالا	$0.8 < \text{HDI} < 1$

قبل از این که خود شاخص توسعه ی انسانی محاسبه شود، باید برای هر کدام از این ابعاد یک شاخص تعریف کرد. برای محاسبه این شاخص ها (امید به زندگی، تحصیلات و تولید ناخالص داخلی) مقادیر حداقل و حداکثر برای هر کدام از معیارهای بنیادی انتخاب شدند.

جدول شماره ۱: مقادیر حداکثر و حداقل برای محاسبه شاخص توسعه ی انسانی

مقدار حداقل	مقدار حداکثر	مقدار معیار
۲۵	۸۵	امید به زندگی در بدو تولد (سال)
۰	۱۰۰	نرخ با سواد بزرگسالان (%)
۰	۱۰۰	نسبت خام ترکیبی ثبت نام (%)
۱۰۰	۴۰۰۰۰	سرانه تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید دلار آمریکا)

منبع: سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳، ص ۳۸۵

سپس متوسط شاخص های بعد به عنوان شاخص توسعه ی انسانی محاسبه می گردد

شاخص دانش (I_k) عبارت است از:

$$W_1 \left(\frac{S_{\max} - S_c}{R_{\max} - R_{\min}} \right) + W_2 \left(\frac{R_{\max} - R_c}{S_{\max} - S_{\min}} \right)$$

^۱ Human Development Index

R_{max} ، بالاترین میزان باسوادی بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی،
 R_{min} ، پائین ترین میزان با سوادی بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی،
 R_c ، میزان باسوادی در کشور مورد نظر.

به همین ترتیب نیز S_{max} ، S_{min} ، S_c نشان دهنده میانگین سال های تحصیل هستند.

W_1 ، وزنی است که برای باسوادی در نظر گرفته شده و $\frac{2}{3}$ است،

W_2 ، وزنی است که برای سال های تحصیل در نظر گرفته شده و $\frac{1}{3}$ است.

شاخص درآمد (I_y) چنین می شود:

$$Y_{max} - Y_c$$

$$Y_{max} - Y_{min}$$

که باز در این جا y_{max} بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی است و بازده نزولی را نیز نشان می دهد. y_c و y_{min} نیز به همان ترتیب که پیش تر درباره اجزای شاخص های طول عمر و دانش شرح داده شد، تعریف می شوند.

بعد از این سه شاخص که اجزای HDI هستند با یکدیگر جمع و بر سه تقسیم می شوند تا شاخص کلی

محرومیت و فقر (I) را نشان دهند:

$$I = \frac{I_l + I_k + I_y}{3}$$

باید توجه داشت که در محاسبه I این طور دیده شده که شاخص طول عمر، دانش و درآمد دارای وزن های

یکسانی هستند. (Human Development Report 2003)

بررسی شاخص های توسعه انسانی در شهرستان بهمنی

در این مبحث با بهره گیری از مباحث پیشین، چگونگی محاسبه شاخص توسعه انسانی و با استفاده از داده های

آماري، جمعیتی شهرستان بهمنی شاخص های توسعه انسانی این شهرستان با نماگرهای آن محاسبه و مورد تجزیه و

تحلیل قرار می گیرد.

محاسبه نماگر امید به زندگی شهرستان

شاخص توسعه انسانی، دستاورد نسبی را در زمینه امید به زندگی در بدو تولد اندازه می گیرد. برای شهرستان

بهمنی شاخص امید به زندگی در سال ۱۳۸۵ معادل ۰/۷۰۱ بوده است.

$$\text{شاخص امید به زندگی شهرستان} = \frac{۶۷/۱ - ۲۵}{۸۵ - ۲۵} = ۰/۷۰۱$$

محاسبه نماگر شاخص تحصیلات شهرستان

این شاخص دستاورد نسبی را در زمینه باسوادی بزرگسالان و همچنین نرخ خام ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی را اندازه گیری می کند. ابتدا شاخص باسوادی بزرگسالان و شاخص خام ثبت نام محاسبه می شود. سپس این دو شاخص ترکیب می شوند تا شاخص تحصیلات به دست آید. برای این کار به شاخص باسوادی بزرگسالان ضریب دو سوم و به شاخص نرخ ثبت نام خام ضریب یک سوم داده می شود. برای شهرستان بهمئی نرخ باسوادی بزرگسالان آن در سال ۱۳۸۵ برابر ۷۸/۸ درصد و نسبت خام ثبت نام آن در همین سال ۸۳/۵ درصد بوده است. شاخص تحصیلات ۸۱۰/۰ به دست می آید.

$$\text{شاخص باسوادی بزرگسالان شهرستان} = \frac{۷۷/۸-۰۰}{۱۰۰۰-۰۰} = ۰/۷۸۷$$

$$\text{شاخص ثبت نام شهرستان} = \frac{۸۳/۵-۰۰}{۱۰۰۰-۰۰} = ۰/۸۳۵$$

$$\text{شاخص تحصیلات} = ۸۱۰/۰ = ۰/۷۸۷ + ۰/۸۳۵ = \frac{۱}{۳} + \frac{۲}{۳} = \frac{۱}{۳} + \frac{۲}{۳} = ۱$$

محاسبه نماگر تولید ناخالص داخلی شهرستان

شاخص تولید ناخالص داخلی شهرستان با استفاده از سرانه تعدیل شده تولید ناخالص داخلی (بر اساس برابری قدرت خرید دلار آمریکا) محاسبه می شود. در شاخص توسعه انسانی درآمد به عنوان یک جایگزین برای تمامی ابعاد توسعه انسانی به کار گرفته می شود که در معیارهای زندگی طولانی و سالم و تحصیلات لحاظ نشده اند، درآمد تعدیل و اصلاح می شوند، زیرا دستیابی به این سطح قابل قبول از توسعه انسانی نیازمند نامحدود بودن درآمد نیست. بنابراین از لگاریتم درآمد استفاده می شود. برای این شهرستان که سرانه تولید ناخالصی آن در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۷۴۵ دلار بود، شاخص تولید ناخالصی داخلی برابر با ۵۵۰٪ است.

$$\text{شاخص تولید ناخالص داخلی} = \frac{\log(۲۷۴۵) - \log(۱۰۰)}{\log(۴۰۰۰۰) - \log(۱۰۰)} = ۰/۵۵۰$$

محاسبه شاخص توسعه انسانی شهرستان:

وقتی شاخص های بُعد مشخص شدند، تعیین شاخص توسعه انسانی ساده است و کافی است از این سه شاخص بعد، میانگین گرفته شود.

= شاخص توسعه انسانی شهرستان

$$= \frac{1}{3} (\text{شاخص تولید ناخالص داخلی}) + \frac{1}{3} (\text{شاخص تحصیلات}) + \frac{1}{3} (\text{شاخص امید به زندگی})$$

$$= \frac{1}{3} (۵۵۰) + \frac{1}{3} (۸۱۰) + \frac{1}{3} (۰/۷۰۱) = ۰/۶۸۷$$

جدول شماره ۲: مقایسه شاخص توسعه انسانی و نماگرهای آن در سطح کشور و شهرستان بهمنی در سال ۱۳۸۵:

عنوان	امید به زندگی در بدو تولد (سال)	شاخص امید به زندگی	نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص (درصد)	نرخ باسوادی بزرگسالان (درصد)	شاخص آموزشی	درآمد ناخالص داخلی (دلار)	شاخص درآمدی	شاخص توسعه انسانی (HDI)
کشور	۷۰/۷	۰/۷۵۹	۹۲/۴	۸۴/۶	۰/۸۲۱	۷۵۲۵	۰/۷۱۱	۰/۷۶۳
شهرستان بهمنی	۶۷/۱	۰/۷۰۱	۸۳/۵	۷۸/۸	۰/۸۱۰	۲۷۴۵	۰/۵۵۰	۰/۶۸۷

جدول فوق شاخص توسعه انسانی (HDI) کشور و شهرستان بهمنی را نشان می دهد. همانگونه که در جدول نشان داده شده این شهرستان با سطح میانگین کشوری فاصله ای ۰/۰۷۶ دارد. هر چند که این شاخص در مقایسه با تقسیم بندی های موجود سازمان ملل متحد جزو توسعه انسانی متوسط به شمار می رود ولی فاصله آن با میانگین کشوری و حتی مقایسه این شاخص با بالاترین شاخص توسعه انسانی استان های کشور (استان تهران) در همین سال که معادل ۰/۸۷۹ بوده است حاکی از محرومیت و فقر در این شهرستان و توزیع نابرابر امکانات در سطح کشور را دارد. در این جدول اجزاء و مؤلفه های شاخص توسعه انسانی در شهرستان بهمنی در مقایسه با کشور محاسبه گردیده است.

امید به زندگی در این شهرستان در سال ۱۳۸۵ معادل ۶۷/۱ سال بوده است که ۳/۶ سال از میانگین کشوری کمتر می باشد. این مسئله نشان دهنده پائین بودن سطح بهداشت و درمان در این شهرستان می باشد. مرگ و میر نوزادان و مادران در اثر عوارض بارداری و زایمان از دلایل عمده پائین بودن این شاخص می باشد.

مقایسه امید به زندگی این شهرستان (۶۷/۱) با کل کشور (۷۰/۷) و استانداردهای جهانی (۸۵ سال) ضرورت تداوم تخصیص منابع مالی به امور بهداشتی، گسترش خدمات بهداشتی اولیه، تأمین آب سالم، گسترش واکسیناسیون، گسترش مراقبت از زنان و مادران، افزایش خدمات زایمانی و ... را با اهمیت تر می نماید.

یکی دیگر از نماگرهای شاخص توسعه انسانی، شاخص آموزشی است که خود از دو نماگر نرخ باسوادی بزرگسالان و نرخ ترکیبی ثبت ناخالص در کلیه مقاطع تحصیلی تشکیل گردیده است. در سال ۱۳۸۵ نرخ باسوادی بزرگسالان این شهرستان ۷۸/۸ درصد بوده درحالیکه میزان این نماگر در سطح کشور در سال مذکور ۸۴/۶ درصد بوده است. هرچند که در سال های اخیر جهش های مناسبی در سطح استان های محروم کشور و این شهرستان در این زمینه وجود داشته، اما هنوز تا استاندارد ملی و جهانی فاصله زیادی در پیش است و ظرفیت زیادی برای بهبود این شاخص در شهرستان وجود دارد.

همچنین نماگر شاخص ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه مقاطع تحصیلی این شهرستان در سال ۱۳۸۵ برابر ۸۳/۵ در مقابل ۹۲/۴ در سطح کشور بوده است که شرایط مناسب این شاخص در شهرستان نشان دهنده توجه بیشتر به امر آموزش در شهرستان می باشد. به طوریکه بالا بودن نرخ ترکیبی ثبت نام و در مجموع مناسب بودن شاخص تحصیلات در شهرستان در مقایسه با دو شاخص دیگر باعث گردیده که شاخص توسعه انسانی شهرستان فاصله زیادی با میانگین کل کشور نداشته باشد.

از دیگر نماگرهای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی، شاخص درآمدی است. میزان این شاخص در شهرستان در سال ۱۳۸۵ معادل ۵۵۰/ و درآمد ناخالص سرانه داخلی ۲۷۴۵ دلار بوده است که این شاخص در همین سال در سطح کشور معادل ۷۱۱/ و درآمد ناخالص سرانه داخلی ۷۵۲۵ دلار بوده است.

پائین بودن شاخص درآمدی که جزئی از شاخص توسعه انسانی است در شهرستان های محرومی چون بهمئی بیانگر آن است که با رشد اقتصادی کشور و توزیع عادلانه تر امکانات و منابع اقتصادی می توان پراکندگی توسعه انسانی را در سطح کشور تا حدودی کاهش داد. در غیر این صورت هر ساله شاهد شکاف درآمدی بیشتر بین مناطق محروم و مناطق برخوردار خواهیم بود.

به طور کلی شهرستان بهمئی از لحاظ نماگرهای تشکیل دهنده توسعه انسانی به جز نماگر تحصیلات از وضعیت نامطلوبی برخوردار است؛ و تا رسیدن به یک حد مطلوب و قابل قبول جهانی فاصله زیادی دارد. از جمله می توان به شاخص درآمدی اشاره کرد که از لحاظ این شاخص جزو محروم ترین مناطق کشور به شمار می رود. که به نظر می رسد یکی از مهم ترین شاخص هایی که که بهبود آن می توان روند توسعه شهرستان را تسریع نماید و به بهبود شاخص های دیگر نیز کمک نماید، شاخص درآمدی می باشد.

به طور کلی مطالعات این مقاله نشان می دهد که تعادل های منطقه ای در زمینه توزیع درآمد و عدم دسترسی برابر مناطق به خدمات بهداشتی، آموزشی در کشور رعایت نشده است، هرچند که عوامل متعددی از قبیل خصوصیات جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق در شکاف فقر انسانی مناطق دخیل بوده ولی آنچه مسلم است، نقش سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی در توزیع برابر فرصت ها و بسترسازی مناسب به منظور دسترسی برابر به خدمات اجتماعی را نمی توان نادیده گرفت چرا که این مسئله در ایجاد یک توسعه متعادل منطقه ای ضروری بوده تا برنامه های توسعه بتوانند عدم تعادل های منطقه ای موجود را به حداقل برسانند.

نتیجه گیری

تنگناهای توسعه انسانی روستایی شهرستان: غالب بودن بافت سنتی و عشایری در ساختار اجتماعی و فرهنگی، فقدان نظام مدیریت و راهبری مشارکت مردمی در اداره روستاها، ناتوانی در نگهداشت نیروهای متخصص و مهاجرت شدید تحصیل کرده های روستایی، ضعف بنیه مالی شهرستان، کمبود خدمات اجتماعی و رفاهی، کمبود صنایع تبدیلی و صنایع کوچک کشاورزی، عدم وجود درمانگاههای تخصصی و بیمارستان، مراکز دانشگاهی و فرهنگی، پائین بودن سطح درآمد پائین بودن درجه توسعه یافتگی و شاخصهای توسعه انسانی، محدودیت در ایجاد فرصتهای شغلی و بالا بودن میزان بیکاری .

به طور کلی می توان گفت اگر قرار است توسعه انسانی صورت گیرد که مستمر و پایدار باشد باید از مناطق روستایی آغاز شود، مسائلی از قبیل فقر گسترده، نابرابری، بیکاری فزاینده، بهداشت نامناسب، بهره وری پایین کشاورزی، عدم رفاه تماماً ریشه در رکود زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد. لذا هر نوع سیاستی جهت کاهش فقر و توسعه انسانی لزوماً باید در جهت توسعه روستایی می باشد.

بنابراین می توان گفت اصولاً توسعه روستایی مفهومی جدا از توسعه انسانی نیست. در سال ۱۳۸۵، شهرستان بهمئی دارای شاخص توسعه انسانی (HDI) برابر با ۰/۶۸۷ بوده است، که یکی از پایین ترین میزانهای توسعه انسانی را در مقایسه با سایر شهرستان های کشور دارا بوده است. نسبت به شاخص توسعه انسانی کشور در همین سال که ۰/۷۶۳ بوده است، فاصله بسیار زیادی داشته است. از لحاظ شاخص امید به زندگی شهرستان با میزان ۶۷/۱ سال در رده های پایین نسبت به دیگر شهرستان های کشور قرار داشته و از نسبت میانگین کل کشور (۷۰/۷ سال) بیش از سه سال کمتر می باشد، که این نشان دهنده سطح پایین بهداشت و درمان در شهرستان بوده، چرا که مرگ و میر بالای نوزادان از دلایل عمده پایین بودن سطح این شاخص بوده است. از دیگر مشکلات توسعه شهرستان پایین بودن امنیت غذایی آن میباشد، به طوری که طبق آمارهای مختلف از لحاظ مصرف روزانه کلسیم و پروتئین شهرستان دارای کمترین مقدار مصرف سرانه در سطح کشور می باشد.

پایین بودن در آمد مردم شهرستان نیز از دیگر دلایل پایین بودن شاخص های توسعه انسانی در شهرستان نسبت به میانگین متوسط کل کشور می باشد چرا که در سال ۱۳۸۵ شاخص درآمدی مردم شهرستان برابر به ۰/۵۵۰ و درآمد ناخالص سرانه واقعی تعدیل شده آن ۲۷۴۵ دلار بوده است که شهرستان را از لحاظ این شاخص در رده بسیار پایینی قرار داده است. زیرا همین شاخص در سطح متوسط کشور در همین سال ۰/۷۱۱ و درآمد ناخالص سرانه ۷۵۲۵ دلار بوده است. به طوری که میانگین درآمد ناخالص سرانه واقعی کل کشور بیش از ۲/۵ برابر شهرستان می باشد.

به نظر می رسد یکی از شاخص هایی که بهبود آن می تواند روند توسعه شهرستان را تسریع نماید و به بهبود شاخص های دیگر کمک کند شاخص درآمدی باشد، زیرا در این شهرستان فقیر، میل نهایی به پس انداز بسیار پایین است که در نتیجه، باعث کاهش انباشت سرمایه و به تبع آن کاهش سرمایه گذاری خواهد شد. کاهش سرمایه گذاری باعث کاهش تولید و کاهش تولید نیز باعث کاهش درآمد می گردد. روند توسعه شهرستان تاکنون متکی بر کمک منابع مالی دولتی بوده است (که این روند به دلیل نادیده گرفتن این شهرستان تاکنون بسیار کند بوده است) ولی این امر در دراز مدت نمی تواند ادامه داشته باشد، چرا که توسعه پایدار هر منطقه باید متکی بر قابلیت ها و ظرفیت های اقتصادی و تولیدی آن منطقه و یا به عبارتی توسعه درون زا باشد.

(Misra and k. v. sundaram, 2003, P12)

بر اساس شاخص فقر انسانی (HPI) نیز شهرستان بهمئی جزو محرومترین شهرستان های کشور به شمار می آید. در سال ۱۳۸۵ نرخ بی سواد بزرگسالان در سطح شهرستان ۲۱/۲ درصد بوده، و ۱۴/۸ درصد جمعیت شهرستان در سال مذکور به آب سالم دسترسی نداشته و ۲۲/۴ درصد جمعیت شهرستان فاقد دسترسی به خدمات بهداشتی بوده و ۱۶/۴ درصد کودکان زیر ۵ سال دچار کم وزنی بوده اند، و ۱۳/۱ درصد جمعیت دارای امید به

زندگی کمتر از ۴۰ سال بوده اند. به طور کلی شاخص فقر انسانی شهرستان ۱۷/۴ درصد بوده که نسبت به میانگین کل کشور (۱۱/۰ درصد) فاصله عمیقی دارد. بدین ترتیب می توان یکی از چالش های بزرگ شهرستان را فقر درآمدی مردم شهرستان ذکر نمود، که ناشی از ضعف بنیادهای تولیدی و اقتصادی شهرستان می باشد.

مشکل دیگر درباره توسعه انسانی شهرستان به تفاوت شاخص توسعه انسانی بر حسب جنسیت شهرستان نسبت به میانگین کشوری می باشد. به طوری که شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب جنسیت در شهرستان ۰/۶۸۰ درصد و در سطح کشور ۰/۷۳۶ بوده است. این نشان دهنده پایین بودن نرخ مشارکت نیروی کار به ویژه نیروی کار زنان در فعالیت های اقتصادی و تفاوت بین زنان در فعالیت های اقتصادی و تفاوت بین زنان و مردان و نابرابری جنسیتی ناشی از موانع فرهنگی، حقوقی و اقتصادی می باشد. بطور مختصر می توان چشم اندازهای توسعه ای شهرستان را بصورت زیر ارائه داد:

توسعه برخی از صنایع تخصصی با عملکرد منطقه ای منطبق با مزیت های نسبی شهرستان در راستای تأمین اشتغال، ایجاد مشاغل تولیدی مکمل فعالیت های نفت و گاز در شهرستان به واسطه وجود منابع موجود، توسعه و تقویت فعالیت های توریستی، گسترش امکانات آموزش عالی، ایجاد و توسعه تأسیسات زیر بنایی در زمینه راه، آب، برق و تأسیسات بهداشتی، مقابله با مسئله مهاجرت روستائیان به واسطه ارائه خدمات زیر بنایی و اجتماعی .
تأکید بر بهبود شاخص های بهداشتی همچون کاهش مرگ و میر مادران و بهبود شاخص های دسترسی به سرویس های بهداشتی و بهبود برخورداری از آب آشامیدنی سالم، سرمایه گذاری در ساخت امکانات آموزشی و ورزشی، دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی و ترویج برابری جنسیتی، ریشه کنی فقر و گرسنگی و بهبود تغذیه، مبارزه با بیماری های عمده، ایجاد تحول در شیوه های تولید، بهسازی کالبدی روستاها، گسترش نظام تأمین اجتماعی و بیمه روستائیان .

منابع

- ۱- خواجه پور تادوانی، غلامرضا، (۱۳۷۷): توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد، انتشارات وداد.
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، (۱۳۷۹): گزارش آشنایی با مفاهیم توسعه انسانی.
- ۳- سازمان ملل متحد (۱۹۹۰): گزارش توسعه انسانی.
- ۴- سازمان ملل متحد، گزارش توسعه انسانی سال (۲۰۰۳): انتشارات مؤسسه فرهنگی ابن سینای بزرگ .
- ۵- مرکز آمار ایران، سرشماری (۱۳۸۵).
- ۶- شبکه بهداشت و درمان و فرمانداری شهرستان بهمئی (۱۳۸۵).
- 7- Human DEVELOPMENT REPORT (2003): Millennium Development Goals: a compact among nations to end human poverty .
- 8- UNDP, United Nations Development Programme (UNDP) New york (2003).
- 9- R.P. Misra, and K. V. Sundaram, (2003): Rural development alternatives, united nations center for regional development , Nagoya Japon .
- 10- UNDP, Human Development report (1999): New york , oxford university press.
- 11- www.worldbank.org
- 12- www.UNDP.org





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی